

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کنگره دانشمندان بغداد

نگارش:

مقاتل بن عطیه (م ۵۰۵ ق)

ترجمه و تحقیق:

محمدرضا زادهوش

به اهتمام:

حسین حیدری شاهرودی



انتشارات مهر قائم (عج)

۱۳۸۲

ابن عطیہ، مقاتل - ۵۰۵ ق [مؤتمر علماء بغداد]
کنگرہ دانشمندان بغداد / نگارش مقاتل بن عطیہ؛ ترجمہ و تحقیق محمد رضا زادہوش۔
اصفہان: مهر قائم، ۱۳۸۲۔ ۱۱۲ ص۔

ISBN 964 - 7331 - 34 - 7 ریال: ۵۶۰۰

فہرست نویسی بر اساس اطلاعات فیما۔

عنوان اصلی: مؤتمر علماء بغداد۔

کتاب نامہ: ص. [۱۰۹] - ۱۱۲؛ همچنین بہ صورت زیر نویس۔

۱. شیعہ - دفاعیہا و ردیہا۔ ۲. اہل سنت - دفاعیہا و ردیہا۔ ۳. مناظرہا۔ الف۔

زادہوش، محمد رضا، ۱۳۵۹ - مترجم۔ ب. عنوان۔ ج. عنوان: مؤتمر علماء بغداد۔ فارسی۔

۸۰۴۱ م ۱۲ الف / ۴ / BP ۲۲۸ / ۲۹۷ / ۴۱۷

الف ۱۳۸۲

۷۶۴۲ - ۸۲ م

کتابخانہ ملی ایران



انتشارات مهر قائم (عم)

اصفہان، میدان امام حسین (ع)، چهارباغ پایین، تلفن: ۲۲۲۱۹۹۵ - ۳۱۱۔

کنگرہ دانشمندان بغداد

ترجمہ مؤتمر علماء بغداد

نگارش: مقاتل بن عطیہ

ترجمہ و تحقیق: محمد رضا زادہوش

بہ اہتمام: حسین حیدری شاہرودی

طرح جلد: غلامرضا نصر

چاپ اول: ۱۳۸۲

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخہ / رقعی / ۱۱۲ صفحہ

لیتوگرافی متن: آسمان / لیتوگرافی جلد: سیب آرا

چاپ متن: رضوی / چاپ جلد: ملت

صحافی: توحید

قیمت: ۵۶۰ تومان

ISBN 964 - 7331 - 34 - 7

شابک: ۷ - ۳۴ - ۷۳۳۱ - ۹۶۴

فهرست مطالب

مقدمه مترجم / ۵

- نویسنده و گزارش گر کنگره / ۵ □ اصالت این کتاب / ۶
- تاریخ نگارش / ۷ □ ارزش های این مناظره / ۸ □ ترجمه و تحقیق حاضر / ۱۰

مقدمه مؤلف / ۱۱

- انگیزه های برگزاری کنگره / ۱۲ □ آیا شیعیان مسلمان اند؟ / ۱۳
- اندیشه برگزاری کنگره / ۱۵ □ پافشاری شاه بر تشکیل کنگره / ۱۶
- شرایط گفتگو / ۱۸

آغاز به کار کنگره / ۱۹

- مراسم افتتاحیه / ۱۹ □ آغاز بحث / ۱۹ □ ناسزاگویی شیعیان به

- خلفا / ۲۱ □ تدوین قرآن / ۲۴ □ خلافت عثمان باطل است / ۲۶ □
 خلیفه پیامبر کیست؟ / ۲۸ □ تحریف قرآن / ۳۰ □
 جسمانیّت خداوند / ۳۲ □ عمل به ظاهر آیات قرآن / ۳۴ □ مسأله
 جبر / ۳۶ □ شک پیامبر در نبوّت / ۳۹ □ عایشه بر شانه‌های
 پیامبر / ۴۰ □ شأن نزول سوره عبس / ۴۲ □
 ایمان خلفای سه گانه / ۴۴ □ ایمان ابوبکر / ۴۵ □ ایمان عمر / ۴۶ □
 ایمان عثمان / ۴۸ □ عدالت صحابه / ۵۷ □ شایستگی‌های امیر
 مؤمنان / ۶۰ □ عملکرد ابوبکر / ۷۸ □
 ایمان ابوطالب / ۸۱ □ آزار فاطمه / ۸۳ □ غصب فدک / ۸۷ □
 خلفای دوازده گانه / ۸۹ □ امام زمان زنده است / ۹۰ □ بدعت‌های
 عمر / ۹۲ □ پیروی از مذاهب اربعه / ۹۴ □ امام زمان کیست؟ / ۹۷ □
 اختتامیه / ۹۹ □

فهرست‌ها / ۱۰۱

- فهرست آیات قرآنی / ۱۰۳ □ فهرست احادیث شریف / ۱۰۵ □
 □ فهرست نام کسان / ۱۰۷ □ گزیده منابع و مأخذ / ۱۰۹ □

مقدمه مترجم

نویسنده و گزارشگر کنگره

مقاتل بن عطیة بن عبدالله بکری حجازی مشهور به ابوالهیجاء، داماد خواجه نظام الملک، با اشعار زیبایی که به زبان عربی می سرود، به مدح بزرگان می پرداخت.^۱

وی مکاتبات فراوانی با دانشمندان زمانه از جمله جلال الله زمخشری داشته، و از زادگاهش حجاز، مسافرت هایی به اکناف عالم اسلامی نمود؛ لختی نزد ناصرالدین مکرّم بن علاء وزیر کرمان، و مدتی ساکن خراسان بود، و آن گاه که نظام الملک را به قتل رسانیدند، رحل اقامت به شهر بغداد افکند.

گفته اند که سرانجام در سال ۵۰۵ قمری در مرو^۲، یا هرات^۳ وفات

۱. اشعار او را ینگرید در: الذّهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۹، ص ۹۷؛ ابن الاثیر، عزالدین علی، الكامل فی التاريخ، ج ۱۰، ص ۲۰۶؛ ابن خلکان، احمد بن محمد، وفيات الاعیان و انباء ابناء الزمان، ج ۲، ص ۱۳۰؛ حسینی، علی بن ناصر، اخبار الدولة السلجوقية، ص ۷۱.
۲. ابن خلدون، عبدالرحمان، المعبر، ج ۷، ص ۲۸، قمی، عباس، الکنی و الالقاب، ج ۳، ص ۲۵۹.
۳. الاتابکی، یوسف، التجوم الزاهرة، ج ۵، ص ۲۰۴؛ الزرکلی، خیرالدین، الاعلام، ج ۷، ص ۲۸۱.
۴. الذّهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۹، ص ۹۷.

یافت. ذکر اعقاب و فرزندان او در بسیاری کتاب‌ها آمده است.^۱

اصالت این کتاب

نگارنده این سطور بر آن نیست تا اسناد این مناظره را تضعیف نماید؛ ولی در کتاب پیش رو مکان برگزاری مناظره در بغداد ذکر می‌شود؛ حال آن‌که تمامی تاریخ‌نگاران اتفاق نموده‌اند که نظام‌الملک در طول حیات خویش تنها دو بار به نظامیه بغداد پا نهاد: ۴۷۹ و ۴۸۴ ق.^۲ و در هیچ یک از این دو تاریخ، گزارشی مبنی بر تشکیل جلسه‌ای از گونه مناظره و گفتگوهای میان دینی به دست ما نرسیده است.

البته نباید فراموش نمود که در سفر سال ۴۷۹ ق به بغداد ملک‌شاه و نظام‌الملک از آرامگاه‌های پیشوایان کیش‌های گوناگون، از جمله مرقد امام موسای کاظم (ع) دیدار نموده‌اند.

از سوی دیگر شاه به مذهب حنفیه و نظام‌الملک شافعی^۳ بود و ایشان بسیاری را به اتهام تشیع از تحصیل و تدریس در نظامیه‌ها^۴ بازداشته‌اند، و اصولاً ترویج شافعی‌گری در نظامیه‌ها امری نهادینه بوده، تا جایی که کارمندان جزء نیز به مذهب شافعی بوده‌اند.

۱. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، *البدایة و النهایة*، ج ۱۲، ص ۱۷۲.

۲. ابن الاثیر، عزالدین علی، *الکامل فی التّاریخ*، ج ۸، ص ۱۴۲؛ الاصفهانی، عمادالدین محمد، *دولت آل سلجوق*، ص ۷۳؛ ابن خلدون، عبدالرحمان، *العبر*، ج ۳، ص ۴۷۷.

۳. صاحبی نخجوانی، هندو شاه، *تجارب السلف*، ص ۲۷۷.

۴. پنگرید به: طلّس، محمداسعد، *مدارس نظامیه*؛ جواد، مصطفی، «المدرسة النظامية ببغداد»؛ کسای، نورالله، *مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن*؛ معروف، ناجی، *علماء النظامیات و مدارس المشرق الاسلامی*.

از طرفی نباید از نظر دور داشت که روایاتی در متن حاضر به چشم می‌آید که در در منابع کهن، صورتی دیگر از آن‌ها آمده، و برای خواندنی شدن مباحث، برخی مطالب حذف شده است؛ چنان‌که در بحث مُتعه می‌گوید: «عبدالله بن زبیر نیز از متعه پدید آمد»^۱؛ پس روشن می‌شود که مطلبی از وی دربارهٔ ردّ متعه نقل شده، و پیش زمینه‌ای برای این سخن وجود داشته است.

تاریخ نگارش

اکنون که اصالت کتاب حاضر اندکی مخدوش شد، این پرسش را پیش رو داریم که سرانجام، این رساله در چه زمانی پدید آمده است؛ برای پاسخ بدین پرسش ما از متن همین کتاب بهره می‌گیریم:

مشاهده می‌شود که دعوت ۹۵۰ سالهٔ حضرت نوح (ع) به عنوان دلیلی بر دیرزیستی امام زمان (عج) ذکر شده است^۲؛ بنابراین نگارش این متن پس از سال ۱۱۵۵ ق به این سو نخواهد بود؛ چه این‌که عمر حضرت از آن تاریخ بدین سو افزون بر ۹۵۰ سال است.

از سوی دیگر ما به گزارشی مبنی بر محدود شدن اهل سنت به چهار مجتهد - یعنی مالک بن انس، ابوحنیفه، شافعی و احمد بن حنبل - بر می‌خوریم^۳ و دانسته‌ایم که این محدودیت در زمان حکمرانی الملک الظاهر در قرن هفتم هجری انجام پذیرفته است.

پس با در نظر داشتن این دو واقعیت، برداشت ما برای تعیین زمان

۲. همان، ص ۹۲.

۱. کتاب حاضر، ص ۷۲.

۳. همان، ص ۹۵.

نگارش این رساله، تاریخی از میانه قرن هفتم، تا میانه قرن دوازدهم هجری خواهد بود.

مؤید این فرضیه یافته شدن نسخه خطی این اثر به دست مرتضی رضوی حسینی در کتابخانه راجا در محمدآباد هند است که در آن از کتابت نسخه به وسیله مؤلف حکایت شده؛ ولی تاریخ ۱۲۰۰ ق در آن به چشم می آید! پس پیدا است که شخصی در حدود همین تاریخ به پدید نمودن چنین مناظره‌ای دست برده، و آن را به مقاتل نسبت داده است.

ارزش‌های این مناظره

مناظره حاضر هرچه که باشد، و بر ساخته هر کسی که باشد، مرور یک دوره از تاریخ اسلام و اصول عقاید، به ویژه در امر امامت، و حکمت برخی از احکام است، و به جز این، فرض‌هایی را در ذهن خواننده بر می‌انگیزاند که هریک دارای ارزش‌های فراوان است:

نخست: گونه‌ای تعیین مسیر برای حکومت‌ها و بیان این نکته که برگزاری چنین نشستی، تنها از دست شما ساخته است، و کسی را توان چنین کاری نیست؛ پس چنین کنید، و هم خود عبرت گیرید، و هم واقعه‌ای تاریخی را رقم زنید.

دوم: نوعی از ادبیات ذهنی و تخیلی و اندکی شاهانه که سعی دارد، با واقعی جلوه دادن وقایع، و انتخاب شخصیت‌های تاریخی و غیر نمادین، به تحریفی روامدارانه از تاریخ دست زند. چنین اندیشه‌ای برای واقعی جلوه دادن کنگره بیشترین کوشش را به کار می‌گیرد، تا خواننده را از آگاهی و حدس پایان، و نتیجه نهایی بازدارد، و با بهره‌گیری از سیری

همچون زمان، و با حجمی اندک، خواننده را با هر عقیده‌ای که داشته باشد، به ادامه داستان فراخواند، و احتمالاً اگر کسی نیز در این میان به راه راست هدایت شود، راقم داستان از اجر آخری بهره‌مند گردد.

این فرض علاوه بر این، نمایانگر وجود آمادگی دربار سلجوقیان، ملک‌شاه و نظام‌الملک در آن برهه از زمان، برای پذیرش واقعیت‌ها، و نفوذ شیعه - به صورت راستین، و یا دست کم بر اساس شایعات رایج - در حکومت آنان بوده است.

سوم: جریان‌شناسی هواخواهان برقراری اندیشه‌های یکنواخت و همسازگرا با رعایت شرایط و آداب گفتگو^۱ که به گونه‌ای دیگر با عنایت دربار سلجوقی به تضارب اندیشه‌ها و برقراری وحدت^۲ در مدارس نظامیه نیز به اجرا در آمده بود.

چهارم: برگزاری مراسمی واقعی برای آرزوهای روشنفکری، و بیان این نکته در برابر تعصب‌های گوناگون موجود زمانه که اگر دست زور بالاترین زورمداران به حرکت درآید، و گفتگوهای مستدلی نیز صورت گیرد، تفاوتی چندان در وضع موجود عقاید روی نخواهد داد؛ همچنان که نمونه درست و تاریخی مناظره شیعه و سنی در حضور امام رضا (ع) و مأمون برگزار شده، و به غالب آمدن شیعیان انجامیده است. این مناظره در کتاب العقد الفرید^۳ درج می‌شود، ولی صاحب این کتاب همچنان بر مذهب اهل سنت و عقیده خویش استوار می‌ماند!

۱. برای بررسی شرایط گفت‌وگوهای این دست بنگرید به: زاده‌وش، محمدرضا، «گفتاری در گفتگوی تمدن‌ها»، صص ۲۳ - ۲۸.

۲. الخشاب، یحیی، «الوزير نظام الملك و وحدة المسلمين»، ص ۱۲۵.

۳. ابن عبد ربّه، احمد بن محمد، العقد الفرید، ج ۵ صص ۹۲ - ۱۰۱.

ترجمه و تحقیق حاضر

ترجمه فارسی این اثر سعی بر آن داشته است تا علاوه بر ساختار آزاد و روان، از حذف و اضافه مطالب به دور باشد و به جز ترجمه آیات و روایات، متن اصلی هریک نیز در جای خویش درج شود.

همچنین شرح کوتاهی از سرگذشت اعلام متن در ذیل هر کدام آمده، و در ضبط آیات قرآن کریم از تکرار اشتباه‌های چاپ‌های پیشین^۱ خودداری شده است.

در ارجاع به منابع و استخراج احادیث شریف، استفاده از منابع معتبر اهل سنت مدّ نظر قرار گرفته، و به طور کلی در تخریجات گوناگون، استفاده از منابع کهن تر در اولویت بوده است؛ به ویژه آن که گزارش کننده کتاب حاضر را از اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم فرض نموده‌ایم.

منابع مذکور در ذیل هر حدیث و یا روایت تاریخی در برگیرنده عین آن گفتار است، و گاه صورت‌های دیگر نیز تذکر داده شده است.

این منابع به طور معمول در آن جایی ذکر می‌شود که پادشاه از وزیر خود درخواست داوری درباره متن گزارش شده را می‌نماید، و البته در برخی قسمت‌ها که این داوری به یکباره پیرامون چند متن صورت می‌پذیرد، ذکر منابع به صورت تفکیکی در ذیل هر گزارش آمده است، نه در ذیل تأییدات وزیر.

م. ر. زاده‌وش
اردیبهشت ۱۳۸۲

۱. چاپ اول کراچی، ۱۳۷۷ ق / ۱۹۷۷ م، ۴۸ ص، چاپ‌های سپین در قاهره؛ بیروت، ۸۰ ص، قم، افست ۱۳۹۹ ق؛ همچنین عیناً و با همان تحقیقات در برخی کتاب‌ها درج شده است: احمدی المیانجی، علی، مواقف الشیعه، ج ۳، صص ۹۲ - ۱۳۵؛ حامد حنفی داود، نظرات فی الکتب الخالدة، صص ۸۱ - ۸۵.

مقدمه مؤلف

بسم الله الرحمن الرحيم

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَحَدَهُ وَ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ عَلٰی مَنْ بَعَثَ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِیْنَ مُحَمَّدٌ النَّبِیُّ
الْعَرَبِیُّ وَ آلِهِ الطَّیِّبِیْنَ الطَّاهِرِیْنَ وَ عَلٰی أَصْحَابِهِ أَجْمَعِیْنَ.

ستایش و بیوه خداوند یگانه است، و رحمت و درود بر آن که
برانگیخته شد، تا رحمتی برای تمامی جهانیان باشد: محمد پیامبر عربی،
و خاندان پاک و پاکیزه اش، و تمامی یاران او.

کتاب پیش رو گزارشی است از کنگره دانشمندان بغداد که
ملکشاه سلجوقی^۱ آن را با نظارت وزیر خود، دانشمند بزرگ

۱. ملکشاه (۴۴۵ - ۴۸۳ق): سومین پادشاه سلسله سلجوقی در ۶۸ سالگی به جای پدرش آلب
ارسلان نشست، و با تکیه بر درایت و زیر خویشتن نظام الملک به حکمرانی پلانازع و توسعه قلمرو
حکومت پرداخت. دانشمندان، ادیبان و شاعران را نیکو می داشت؛ چنانچه تقویم جلالی به
تشویق او پدید آمد. هفته هایی پس از قتل نظام الملک آن گاه که از شکار بازگشته بود، بیمار
گشت، و پس از حکومتی ۲۰ ساله به دیار باقی شتافت. آرامگاه او در جوار مزار نظام الملک و
عده ای از پادشاهان سلجوقی در محله احمدآباد اصفهان واقع، و رو به ویرانی است؛ نیشابوری،
ظهیرالدین، سلجوق نامه: حسینی، علی بن ناصر، اخبار الدولة السلجوقية؛ محمد بن ابراهیم،
تواریخ آل سلجوق؛ بنداری، فتح بن علی، تاریخ سلسله سلجوقی؛ راوندی، محمد بن سلیمان،
راحة الصدور و آية السورور در تاریخ آل سلجوق؛ آفرایی، محمود بن محمد، تاریخ سلاجقه؛
یزدی، محمد بن محمد، العراضة فی حکایة السلجوقية.

نظام‌الملک^۱ بر پا نمود. داستان تشکیل این کنگره چنین است:

انگیزه‌های برگزاری کنگره

ملکشاه سلجوقی جوانی آزاد فکر و جویای حقیقت بود. وی کورکورانه از نیاکان خویش پیروی نمی‌نمود، و دوستدار دانش و دانشمندان بود، و در عین حال به سرگرمی، شکار پرندگان و ماهی‌گیری نیز علاقه فراوان داشت.

وزیر او نظام‌الملک نیز مردی دانشمند، با فضیلت، روی‌گردان از دنیا و دارای اراده‌ای قوی بود؛ نیکی و نیکی‌کنندگان را دوست داشت، همواره در پی حقیقت بود، به اهل بیت پیامبر عشق می‌ورزید و پیوسته در جستجوی فرصتی مناسب برای ترویج دین و دانش بود.^۲

۱. ابوعلی حسن بن علی بن اسحاق طوسی مشهور به خواجه نظام‌الملک (۴۰۸ - ۴۸۵ق)؛ ۲۸ سال در زمان آل ارسلان و پسرش ملکشاه سلجوقی وزیر اعظم دربار بود، در طوس، هرات، نیشابور، اصفهان و بغداد به تأسیس مدارس پرداخت که به «نظامیه» شهرت یافتند. گمان داشت که دولت به دوات او و نیزه غلامان نظامیه وابسته است. ملکشاه بر اساس بدگویی‌های رقیبان خواجه، و بیم از نفوذ وابستگان به او، وی را برکنار نمود. نظام‌الملک چندی بعد به دست ابوطاهر ارانی از فداییان اسماعیلی به قتل رسید؛ آرامگاه او به نام «تربت نظام» در بقعه‌ای در محله احمدآباد اصفهان واقع، و رویه ویرانی است؛ طباطبایی، جواد، خواجه نظام‌الملک؛ نوزاد، فریدون، در راه مکه یا شهادت خواجه نظام‌الملک؛ کانپوری، عبدالرزاق، زندگانی خواجه نظام‌الملک؛ مألوف، امین، دست‌نویس سوری؛ وصایای خواجه نظام‌الملک؛ اقبال، عباس، وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی؛ الخشاب، یحیی، «الوزیر نظام‌الملک و وحدة المسلمین».

۲. دربارهٔ مذهب خواجه هنوز نمی‌توان نظری قاطع ارائه داد، ولی اگر نسبت بخش‌هایی از سیرالملوک یا سیاست‌نامه - تنها اثر قلمی خواجه - را به او بپذیریم خواهیم دید که احادیث بسیار تندی علیه شیعه آورده، و بر همگی آن‌ها صحه گذاشته و از راه یافتن شیعیان به دربار سلجوقی بیمناک است.

به همین منظور بود که مدرسه نظامیه بغداد^۱ را بنیان نهاد، و برای دانشمندان و دانشجویان حقوق ماهیانه قرارداد^۲، و به نیازمندان و بیچارگان عنایتی ویژه داشت.

آیا شیعیان مسلمان اند؟

روزی حسین بن علی علوی - یکی از دانشمندان بزرگ شیعه - نزد ملک‌شاه آمد، ساعتی نشست و پیرامون موضوعی سخن راند و سپس از نزد او خارج شد، یکی از حاضران که از اهل سنت بود، با چشم اشارتی نمود، و وی را مورد تمسخر قرارداد.

ملک‌شاه پرسید: چرا او را مسخره نمودی؟

آن مرد در جواب گفت: پادشاه! مگر نمی‌دانید او از کافرانی است که خداوند بر آن‌ها خشم گرفته، و نفرینشان کرده است؟
ملک‌شاه با شگفتی پرسید: برای چه؟ مگر او مسلمان نیست؟

۱. نظامیه بغداد (۴۵۸ - ۷۴۹ ق)؛ بزرگ‌ترین دارالعلم اسلامی که به دستور نظام‌الملک تأسیس یافت و بازارها و کاروانسراهایی وقف آن شد. نظام‌الملک در صدد بود تا با تمرکز علمی بغداد باز هم خلفای عباسی را در سطح اجتماعی مطرح سازد و از سویی وجهه و نهضت علمی باطنیان و اسماعیلیان را کم‌رنگ نماید. از فارغ‌التحصیلان این مدرسه می‌توان به سعدی شیرازی اشاره برد. تاج‌الملک رقیب سیاسی خواجه، مدرسه تاجیه را در بغداد و در برابر این نظامیه بنیان نهاد؛ بنگرید به: نفیسی، سعید، مدرسه نظامیه بغداد؛ جواد، مصطفی، «المدرسة النظامية ببغداد»؛ طلس، محمداسعد، مدارس نظامیه؛ کسائی، نورالله، مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن؛ معروف، ناجی، علماء النظامیات و مدارس المشرق الاسلامی.

۲. گزارش‌هایی از حقوق‌گزاران مدرسان و دانشجویان نظامیه‌ها را بنگرید در: الحموی، یاقوت بن عبدالله، معجم الادباء، ج ۵، ص ۴۱۵؛ ابن الجوزی، عبدالرحمان بن علی، المنتظم، ج ۹، ص ۶۶؛ ابن جبیر، محمد بن احمد، رحلة ابن جبیر، صص ۲۱۵ - ۲۱۶.

مرد: خیر، هرگز، مسلمان نیست؛ بلکه شیعه است.
ملکشاه: شیعه یعنی چه؟ مگر شیعه یکی از فرقه‌های مسلمانان نیست؟

مرد: خیر؛ زیرا خلافت ابوبکر، عمر و عثمان را قبول ندارند.
ملکشاه: مگر مسلمانی هم هست که خلافت آن سه را قبول نداشته باشد؟

مرد: آری آنان شیعیان‌اند.
ملکشاه: وقتی خلافت آن سه تن که در شمار صحابه‌اند را قبول ندارند؛ چرا مردم آن‌ها را مسلمان می‌نامند؟
مرد: به همین جهت گفتم که آن‌ها کافرند.
ملکشاه مدتی به اندیشه فرو رفت و سپس گفت: باید وزیرمان نظام‌الملک را فراخوانیم، تا حقیقت برایمان روشن شود.
ملکشاه نظام‌الملک را احضار کرد و از او پرسید که آیا شیعیان در شمار مسلمانان هستند؟

نظام‌الملک: اهل سنت در این باب اختلاف دارند؛ گروهی شیعیان را مسلمان می‌دانند؛ زیرا به یگانگی خداوند و رسالت پیامبر اکرم (ص) شهادت می‌دهند، نماز را به پای می‌دارند و روزه می‌گیرند. گروهی دیگر آن‌ها را کافر می‌دانند.

ملکشاه: شیعیان چه تعدادند؟
نظام‌الملک: شمار دقیق آنان را نمی‌دانم، ولی تقریباً نیمی از جمعیت مسلمانان را تشکیل می‌دهند.

ملکشاه: آیا نیمی از مسلمانان کافرند؟
نظام الملک: آری، برخی آنان را کافر می‌دانند، ولی من به کفر ایشان اعتقاد ندارم.

اندیشه برگزاری کنگره
ملکشاه: آیا می‌توانی دانشمندان شیعه و سنی را گرد هم آوری، تا به بحث و گفتگو بپردازند، و حقیقت برای ما آشکار شود؟
نظام الملک: این کار، دشوار است، و از عاقبت آن بر شاه و مملکت بیمناکم.

ملکشاه: برای چه؟
نظام الملک: زیرا مسأله شیعه و سنی امر ساده‌ای نیست؛ بلکه مسأله حق و باطل است که به خاطر آن خون‌های بسیار ریخته شده، کتابخانه‌ها به آتش کشیده شده، و زنانی به اسارت رفته‌اند؛ درباره آن، کتاب‌ها و مجموعه‌های گوناگونی فراهم آمده، و جنگ‌های بی‌شماری بر سر آن به پا شده است.

پادشاه جوان از شنیدن این جریان‌ها در شگفت شد و به اندیشه فرو رفت.

پس از مدتی درنگ گفت: ای وزیر! نیک می‌دانی که خداوند، کشوری پهناور^۱، و لشکریانی بی‌شمار به ما ارزانی داشته است؛ بنابراین

۱. در این زمان حدود حکومت سلجوقیان به منتهای وسعت خویش رسید؛ از جیحون تا فرات، و از فارس و یمن تا شام و مدیترانه و آناتولی گسترده شده و تقریباً به مرزهای ساسانیان رسیده بود.

باید شکر این نعمت به جای آوریم، و شکر ما بدین است که حقیقت را دریابیم، و آن گاه گمراهان را به راه راست هدایت نماییم.

بدون شک یکی از این دو گروه، بر حق، و دیگری باطل است، و ممکن نیست که با این همه اختلافات که برخی بعضی دیگر را کافر می دانند، باز هم هر دو بر حق باشند؛ ناگزیر باید حق را بشناسیم و از آن پیروی کنیم و با شناخت باطل از آن دوری گزینیم.

پس نشستی با حضور دانشمندان شیعه و سنی ترتیب ده، تا با یکدیگر به بحث و گفتگو بپردازند. فرماندهان، دیران و سران کشور را نیز دعوت بگیر، در این صورت اگر دیدیم حق با اهل سنت است، شیعیان را با زور به مسلک آنان وارد خواهیم ساخت.

نظام الملک: اگر شیعیان، مذهب اهل سنت را نپذیرفتند، چه کنیم؟
ملکشاه: همگی آنان را به قتل می رسانیم.

نظام الملک: آیا کشتن نیمی از مسلمانان ممکن است؟
ملکشاه: پس چاره مشکل چیست؟

نظام الملک: از این کار صرف نظر نماید.

گفتگو میان شاه و وزیر دانشمندش به پایان رسید؛ ولی ملکشاه آن شب تا صبح آرام نگرفت، و پیوسته در اندیشه بود که چگونه می توان بر حقیقت دست یافت و چنین کار بزرگی را اصلاح نمود.

پافشاری شاه بر تشکیل کنگره

شب سپری شد، و شاه وزیر را فراخواند و گفت: جا دارد که

دانشمندان دو گروه را دعوت کنیم تا به بحث بپردازند، و ما از میان گفتگوهای آنان در یابیم که حق با کدامین گروه است.

چنانچه حق با اهل سنت باشد، شیعیان را با سخنان خوش، و اندرز و نصیحت نیکو بدین راه می خوانیم، و با ثروت و مقام آنان را به این مذهب دعوت می نماییم؛ همان گونه که پیامبر خدا با کسانی که می خواست قلبشان به اسلام گرایش پیدا کند رفتار می نمود، با این کار خدمت بزرگی به اسلام و مسلمانان خواهیم کرد.

نظام الملک: پیشنهاد شما نیکو است؛ ولی من از فرجام این نشست بیمناکم.

ملکشاه: ترس برای چه؟

نظام الملک: می هراسم که شیعیان بر اهل سنت غالب آیند، و استدلال های آنان بر ما برتری یابد، و مردم در شبهه افتند.

ملکشاه: چنین چیزی ممکن است؟

نظام الملک: آری، شیعیان دلیل های استواری از قرآن و روایات بر درستی مذهب، و حقانیت عقاید خویش در دست دارند.

سخن وزیر، شاه را قانع نکرد و به وی گفت: راهی جز این نیست که دانشمندان دو گروه را دعوت کنیم تا حقیقت از باطل جدا گردد.

وزیر یک ماه مهلت خواست تا به خواسته شاه جامه عمل بپوشاند؛ ولی شاه نپذیرفت، و قرار بر آن شد که پس از مدّت پانزده روز نشست برگزار شود.

وزیر در این فرصت ده نفر از بزرگان دانشمندان اهل سنت را که در

تاریخ، فقه، حدیث، اصول و فنّ مناظره سرآمد دیگران بودند، و نیز ده نفر از بزرگان دانشمندان شیعه را فراخواند.

شرایط گفتگو

زمان برگزاری این نشست در ماه شعبان در نظامیه بغداد تعیین گردید، و قرار شد تا هر دو طرف این شرایط را رعایت نمایند:

۱. گفتگو از صبح تا شام به جز هنگام نماز، خوراک و اندکی استراحت ادامه داشته باشد.

۲. گفته‌ها باید مستند به به مصادر موثق و کتاب‌های معتبر باشد، نه به شنیده‌ها و شایعات.

۳. گفتگوهای ذو گروه نگاشته شود.

۱. برای آگاهی از آداب و شرایط چنین گفتمان‌هایی بنگرید به: زاده‌وش، محمدرضا، «گفتاری در گفتگوی تمدن‌ها»، صص ۲۳ - ۲۸.